



فرهنگی

مهین ممدپور

اشاره

انسانی در میان دو دیوار بلند تحجر و تمدن کاذب.

محبوسی در اعماق دوزندان؛ زندان جاهلیت و زندان بردگی مدرن. زن مسلمان امروز میان دو جاهلیت قرار گرفته، یکی جاهلیت قرن بیستم که تصویری ابتذال گونه از زن ارائه می‌دهد و دیگری جاهلیت کهن که زن را موجودی کهتر در برابر مرد می‌انگارد.

جاهلیت جدید به بهانه حضور اجتماعی زن و دفاع از حقوق وی، او را به بی‌هویتی فرا می‌خواند و جاهلیت دیگر به بهانه بی‌مقدار بودن، زن را از بسیاری از کمالات و ساحت‌های انسانی دور نگه می‌دارد. با طلوع نور اسلام و تعلیمات حیات بخش آن توسط پیامبر اکرم ص زنان از تاریکی ظلمت جهل نجات یافته و به نور معرفت و کمال هدایت شدند. همچنین با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) شخصیت حقیقی و حقوق زنان احیا شده و زنان توانستند در صحنه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور حضوری فعالانه داشته باشند.

آنچه در پیش روست، اشاره‌ای است گذرابه وضعیت زن در دو جاهلیت جدید و قدیم.

زن در جاهلیت قدیم

زن در عصر جاهلیت قبل از اسلام دارای هیچ گونه ارزش انسانی و اجتماعی نبود، به طوری که تنها وظیفه او خدمت به مرد و «به دنیا آوردن فرزند پسر» برای شوهر بود. در جهالت و گمراهی و توحش این مردم و ذلت و بیچارگی زن همین بس که اگر زن دختری به دنیا می‌آورد، گذشته از این که خود مورد بغض و کینه مردم قرار می‌گرفت، دیگران از او کناره می‌گرفتند و مدت‌ها به زندگی در انزوا محکوم می‌شد، در مواردی حتی فرزند دخترش زنده به گور می‌شد و مادر هیچ گونه حقی در دفاع و نگهداری از فرزندش که ماهها برای پرورش او در رحم رنج و سختی کشیده بود، نداشته و جرئت اعتراض و مقاومت در برابر اراده شوهر نداشت.

در «چین قدیم» پاهای دختران را از کودکی با باریکه‌ای از پارچه می‌بستند و در قالب فلزی قرار می‌دادند تا کوچک بماند و جذاب جلوه کند به همین جهت، زن چینی با پیمودن مسیر کوتاهی خسته و عرق‌ریزان از نفس می‌افتاد و از حرکت وای می‌ماند. برای زن چینی ازدواج نوعی



زن در میان دو جاهلیت

شمرده، چه دارنده آن مرد باشد و چه زن. چرا که در انسانیت تفاوتی میان زن و مرد نیست. در این مکتب به زن استقلال و هویت بخشیده شد. او گذشته از این که می تواند پله های رشد و تعالی را بپیماید، در عرصه مذهبی دارای هویت مستقل است، تکالیف و حقوق خاص خود را دارد. در احکام تقلید، تصرف در اموال و امثال آن تابع مرد نبوده و به عنوان «انسان مکلف» خود مستقلاً دارای مسئولیت است. از نظر اجتماعی و حقوق، مالک کار و دسترنج خویش است.



معامله بود که والدین، دختران خود را به هر کسی که می خواستند در برابر دریافت هدیه و پول تسلیم می کردند.

در زاین، مرد قدرت وسیعی داشت و حق داشت آنها را به بردگی یا روسپی گری بفروشد. زنان در سراسر عمر تحت قیمومت پدر یا شوهر یا پسر بودند، دختران از ارث سهمی نداشتند و مردان حق گرفتن زن به طور نامحدود را داشتند.^۱ دختران از تحصیل علم و سواد محروم و ممنوع بودند و همیشه مورد ضرب و شتم و اهانت پدران و شوهران خود واقع و به کارهای سخت واداشته می شدند.

در هندوستان، زن یک موجود طفیلی برای شوهر محسوب می شد و برای او بعد از مرگ شوهر زندگی را جایز نمی شمردند و زن را در روز چهلم شوهر در آتش انداخته، می سوزاندند و بهترین زنان، زانی بودند که پس از مرگ شوهرانشان، خود را در آتش انداخته و بسوزانند. زنان هند، به استثنای زنان طبقات بالا و زنان روسپی معابد، از تحصیل علم و کسب دانش محروم بوده، و همانند برده ها حق مالکیت نداشتند و دسترنج آنان به جیب شوهر و ارباب می رفت.^۲

در جزایر آفریقا زنان را مانند حیوانات، گله گله در معرض فروش درمی آوردند. در جزیره العرب وجود دختر در یک خانواده ننگ بزرگی محسوب می شد و زنی که فرزند اولش دختر بود، قدم او را نامبارک می دانستند. تعدد زوجات بدون هیچ قید و شرطی رواج فراوان داشت. زن کالایی بود که جزء دارایی پدر یا شوهر یا پسر به شمار می رفت و او را با اموال و ثروتی که باقی می ماند به ارث می بردند.^۳ از این رو ازدواج با زن پدر منع قانونی نداشت. قرآن مجید وضع عربستان را با این عبارت بیان می کند:

«هنگامی که به یکی از آنها این بشارت می رسید که نوزاد دختری برای تو یا به عرصه وجود گذاشته است چهره اش از شنیدن این سخن سیاه می شد و خشم و ناراحتی در نهادش موج می زد و از شرم و خجالت خودداز مردم دور می شد؛ یا آن دختر را با خواری و ذلت نگاه می داشت و یا در خاک پنهانش می کرد؛ آگاه باشید که اینها قضاوت و دید بسیار بدی دارند.»^۴

همچنین در جای دیگر می فرماید: «هنگامی که دختران زنده در گور شده مورد سؤال - از طرف خدا - قرار بگیرند که به چه گناهی کشته شده اند؟»^۵

در ممالک به اصطلاح متمدن آن روز هم کاری، که نسبت به زنان انجام می دادند کمتر از این نبود؛ در روم زن از حق ارث به کلی محروم و همچنین در برابر ظلم و تجاوزی که نسبت به او انجام می شد - اعم از تجاوز مالی و غیر مالی - حق مراجعه به دادگاه و دفاع از خود را نداشت. رومیان، اساساً فقط برای مردان، روح انسانی قائل بودند و می گفتند زن دارای روح انسانی نیست. در یونان، زن را موجودی پست و پلید و شیطانی می دانستند. و زن جزء کالاهای تجارتي در بازارها خرید و فروش می شد و بعد از وفات شوهر حق زندگی نداشت.

در امپراطوری ساسانی زن، «شخص» فرض نمی شد بلکه او را «شیئی» می پنداشتند؛ به عبارت دیگر زن، شخصی که صاحب حق باشد به شمار نمی رفت بلکه چیزی بود که می توانست مملوک کسی شناخته شود. در فرانسه در سال ۵۸۹ میلادی پس از بحث های فراوان به این نتیجه رسیدند که زن نیز انسان است ولی برای خدمتگزاری مرد آفریده شده است. از مطالب گفته شده می توان به این نتیجه رسید که:

۱ - معتقد بودند زن، انسانی است در افق حیوانات که اگر او را آزاد بگذارند هرگز از شر و فساد او ایمن نمی توان بود و لذا باید همیشه تحت مراقبت باشد و در زیر چتر تبعیت از مرد زندگی کند.

۲ - زن را جزء جامعه انسانی نمی دانستند و او را مانند «مسکن» و «غذا» شی ای می دانستند که جزء لوازم زندگی جامعه است.

۳ - برای زن، هیچ نوع حق اجتماعی که به نفع او باشد قائل نبودند.

۴ - رفتار آنها با زن، براساس غلبه قوی بر ضعیف شکل می گرفت و زن ها را برای انجام کارهای زندگی خود استخدام و به آنها به عنوان یک خدمتگزار نگاه می کردند.

اسلام و نجات زن

اسلام با ظهورش، «غبار غلیظ مظلومیت و ذلت» را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف «کرامت زن» را آشکار ساخت. سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و آنان را به رفتار نیک و ادای حقوق انسانی زنان تشویق و موظف ساخت. ملاک های ارزشی را در جامعه دگرگون کرد، نه مرد بودن را ملاک کرامت شمرده و نه زن بودن را نشانه نکبت و بدبختی، بلکه معیار و فضیلت را «تقوا و خویشن داری در برابر گناه و نافرمانی خدا»

با ظهور اسلام و تعلیمات پایه‌ای آن، زنان از انزوای تاریخی - فرهنگی خارج شده و عزم خویش را جزم نمودند تا با فاصله گرفتن از دوران جاهلیت، تاریکی‌های آن را به دست فراموشی سپارند زیرا به این درک و باور رسیده بودند که با دمیده شدن روح اسلام در کالبد هستی، زن نیز جزئی از خلقت الهی است و با توجه به وظایف سنگین خویش در قبال اجتماع از حقوق قابل توجهی نیز می‌تواند برخوردار باشد.

پیامبر اسلام برای این که فرهنگ جاهلی را نسبت به زن دگرگون کنند از دو شیوه استفاده کردند؛ یک شیوه، شیوه نظری بود، یعنی پیامبر با سفارش‌ها و نصیحت‌هایی که کرد این دیدگاه نسبت به زن را در بین جامعه عرب عوض کرد؛ تعبیری مثل این که پیامبر می‌فرماید:

«هر کس که دو دختر را پرورش بدهد تا به حد رشد و تعالی برسند من با او در بهشت وارد می‌شوم» و یا می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که نسبت به اهلیش مهربان باشد، من هم خودم بهترین هستم نسبت به اهل بیتم»، این چنین تعبیری در واقع یک مبارزه فرهنگی است برای از بین بردن تلقی دوران جاهلیت نسبت به زن، اما می‌بینیم که پیامبر علاوه بر این شیوه نظری، به شیوه عملی نیز با این تلقی جاهلانه از زن به مبارزه می‌پردازد و با توجهی که به حضرت زهرا (سلام الله علیها) نشان می‌دهند عملاً می‌گویند که زن چه نقشی می‌تواند داشته باشد و به جامعه آن روز خاطر نشان می‌کند که دختران و زنان از این چنین اهمیتی برخوردارند و شما نیز باید نسبت به دختران و زنان اینگونه باشید.

قرآن کریم در شرایط آن روز جامعه، زنانی شایسته چون مریم (سلام الله علیها) و آسیه همسر فرعون را معرفی کرد و از ایشان به عنوان زنان صالح و وارسته تجلیل نمود. پیراستن حضرت مریم از اتهامات ناروای یهودیان،

خدمتی بزرگ در حق «زن لایق، عقیف و وارسته» و دفاع از حقوق او بود. تجلیل از آسیه در دربار پادشاهی فرعون با آن جلال و شکوه مادی، ارج گذاری به «قدرت و توانایی زن در مبارزه با استکبار و نیل به کمالات انسانی» بود.

همچنین معرفی شخصیت والای حضرت زهرا (س) و نقش او در تاریخ اسلام، نشانگر شایستگی زن در عرصه‌های گوناگون اخلاقی، سیر و سلوک معنوی، اجتماعی و سیاسی است.

زن در جاهلیت مدرن

مظلومیت و محرومیت زن از حقوق انسانی منحصر به عصر جاهلیت گذشته نبود، بلکه در عصر علم و تکنولوژی نیز، زن بیش از مرد مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفت. در این مجال اندک، تنها به برخی از ابعاد مظلومیت زن اشاره می‌کنیم.

الف) زن، ملعبه سرمایه‌داران

وارد کردن زن به صحنه اجتماع در قرون اخیر در اروپا، هر چند با شعار «آزادی زن» و «تساوی زن و مرد» انجام شد، اما در حقیقت با هدف بهره‌کشی بیشتر از وجود زن به نفع مرد انجام گرفت. زن از خلقت و فطرتش فاصله گرفت و به استخدام بیشتر مرد درآمد.

متفکر شهید، آیت الله مطهری تحلیلی روشنگرانه در این زمینه دارد:

«یکی از عوامل این بود که مطامع سرمایه‌داران در این جریان بی‌دخالته نبود، کارخانه‌داران برای این که زن را از خانه به کارخانه بکشند و از نیروی اقتصادی او بهره‌کشی کنند، حقوق زن، استقلال اقتصادی زن، آزادی زن، تساوی حقوق زن با مرد را عنوان کردند و آنها بودند که توانستند به این خواسته‌ها رسمیت قانونی بدهند.»^۷

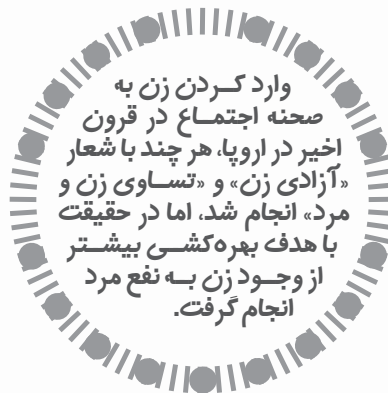
در حالی که در اسلام وظیفه تأمین زندگی زن بر عهده مرد است، در فرهنگ اروپایی عملاً مسئولیت مردان کاسته یا به طور کلی مرتفع شده است و زن به عنوان نیروی کار ارزان مورد بهره‌کشی قرار گرفته، وظیفه تأمین معیشت خود و گاهی فرزندان را نیز متکفل شده است. این واقعیت تلخی است که با ورود زن به صحنه اجتماع، نه تنها حقوق او تأمین نشده، بلکه بسیاری از حقوق دیگرش نیز نادیده گرفته شده است.

ب) زن، ملعبه مردان بی‌بند و بار

بدبختی و فلاکت دیگر زن بهره‌کشی جنسی از او است. چرا که ارتباط محدود زناشویی میان زن و شوهر توسط بعضی از فیلسوفان آن دیار نشانه عقب‌ماندگی و مخالف با آزادی رفتار خوانده شده در حالی که با ورود زن به اجتماع و ارتباط نامحدود با دیگران، کنون خانواده متلاشی شد. با متلاشی شدن خانواده و از بین رفتن علاقه و ارتباط پدر و مادر در محیط خانواده و فرود آمدن خیمه خانواده، فرزندان حیران و سرگردان و محروم از محبت و عاطفه پدر و مادری وارد اجتماع شدند و هر کدام جذب قطب‌هایی در اجتماع فاسد گشته، بسیاری از آنان به پوچی در زندگی رسیدند. در این سیستم علاوه بر آنکه زن نیروی کار ارزان برای مردان استثمارگر است، مرد هم بدون آنکه بار سنگین مسئولیت معیشت زن را بر عهده گرفته، رسالت اداره خانواده و همسر و فرزندان را بپذیرد، به طور رایگان به هدف خود که همانا بهره‌کشی بی‌حد و حصر جنسی از زن بود، رسید.

ج) زن کالای تجاری

مصیبت‌بارتر آنکه امروزه زن به عنوان یک کالای تجاری در اروپای متمدن و دیگر کشورها خرید و فروش می‌شود. در مجارستان یک قاچاقچی می‌تواند یک دختر بچه یتیم را به قیمت یک ماشین کهنه یعنی ۹۰۰ دلار خریداری کند و سپس این دختر را به قیمت ۲۷۰۰ دلار به یکی از مراکز فساد غربی بفروشد. صاحب مرکز نیز می‌تواند با کرایه دادن دختر به مراکز فساد لندن، پاریس یا آمستردام چند برابر این پول را به دست آورد. یک پلیس لندن در این باره می‌گوید: تجارت زن در حال رونق گرفتن است، چون تقریباً بی‌خطر و بسیار پرسود است. تجارت مواد مخدر پول‌ساز است، اما هر روز



خطرناکتر می‌شود و ممکن است بیست سال حبس برای مجرم در پی داشته باشد اما خرید و فروش زن آسان و پرسود است، به خصوص وقتی که آنها را با ماشین از اروپای شرقی می‌آورند و خرج هواپیما را هم نمی‌دهند!

ملاحظه می‌شود که در عصر جاهلیت مدرن و با شعارهای فریبنده، نه تنها زن از مظلومیت و محرومیت نجات نیافت، بلکه در بعضی از ابعاد محروم‌تر و مظلوم‌تر شد. اگر در گذشته استبداد حاکم بود و زن با صراحت استثمار می‌شد امروز با شعار دموکراسی و آزادی و تساوی حقوق، زنان از هویت خویش دور مانده و به صورت کالای بی‌ارزش درآمدند. اگر در گذشته زن تنها تحت ستم شوهرش بود، امروز تحت ستم مردان بی‌شماری است.

د. زن اسیر مدرگرایی

کشورهای پیشرفته با بمباران تبلیغاتی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی کشورهای دیگر را به بازارهای فروش خوبی برای سردمداران عرصه تولید تبدیل کرده‌اند. گرایش به غربی شدن در همه ابعاد زندگی، قیافه‌ظاهری، مد لباس، آرایش سر و صورت، شکل ظاهری زندگی، خانه مسکونی، ماشین سواری، دکوراسیون منزل و محل کار و ... خلاصه انسان متمدن را کسی می‌داند که از فرق سر تا نوک پا غربی باشد، در غیر این صورت عقب مانده، مرتجع، امل و بی‌فرهنگ تلقی می‌شود.

هنگامی که یک رنگ، یک مدل مو، یک لباس و یک نوع آرایش مد می‌شود، برخی افراد بدون در نظر گرفتن شخص و شخصیت خود از آن استفاده می‌کنند، تنها به دلیل این که، آن مدل، مد است. ترویج مدهای غربی در جامعه و گرایش به آن جز به دست استعمار که با هدف ایجاد بازار مصرف برای محصولات کارخانجات دول اروپایی از یک طرف، و وابسته کردن ملل مسلمان و مسخ هویت آنان از طرف دیگر انجام می‌گیرد، نیست.

انقلاب اسلامی و تجدید حیات زن مسلمان

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) همچنان که در همه ابعاد تحولی عمیق ایجاد کرد، در جهت تجدید حیات زن مسلمان نیز نقش تعیین کننده‌ای از خود به جا نهاد و ارزش‌ها را در این قشر جامعه متحول ساخت. اگر تا دیروز «طفیلی‌گری» دیگران و «برهنگی» ارزش بود، امروز «بازگشت به خویش» و «استقلال» ارزش است. اگر دیروز در میان تودم‌های زن آرایش کردن و خود را به اقسام مدهای غربی آراستن و در کوچه و خیابان و مجالس و محافل با ظاهری فریبنده ظاهر شدن نشانه ترقی و پیشرفت بود، به برکت انقلاب، ورود به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تجزیه و

تحلیل حوادث و مسایل و حضور فعال در سرنوشت خویش داشتن، ارزش شد.

انقلاب پرشکوه اسلامی با الهام از پیام دین، تحولی عمیق در عرصه احقاق حقوق زنان پدید آورد و به جای استفاده ابزاری از وجود زنان، به تبیین جایگاه رفیع آنان در زمینه‌های مختلف جهادی، علمی، اقتصادی و اجتماعی پرداخت. امام خمینی، در جهت تبیین جایگاه واقعی زنان فرموده‌اند: «اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد»^۱

به برکت تحول ارزش‌ها، جلوه‌های زیبایی در حیات بانوان مسلمان ظهور کرد، زنانی که فرزندان رشید خود را برای دفاع از اعتقادات دینی و ارزش‌های انسانی و استقلال و هویت خویش به قربانگاه فرستاده و مهم‌تر این که بسر آن افتخار می‌کردند. همسرانی که شوهران جوان خود را برای دفاع از حق و حقیقت به حضور در جبهه‌های نبرد تشویق می‌کردند. زنان متعهد ایران اسلامی اکنون وظیفه بزرگ جهاد و مشارکت در سازندگی کشور را به عهده دارند، امروز حضور گسترده و مؤثر زنان در مراکز آموزشی و پژوهشی و کسب مدارج عالی علمی، هنری و فرهنگی دلیلی غیر قابل تردید بر وجود استعدادهای سطح بالا در زنان است.

زنان با الهام از حضرت زهرا (س) و دخت گرامی‌اش زینب کبری (س) فرهنگ ارزش‌های انسانی، فرهنگ عفاف و تقوا، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی را جایگزین فرهنگ طفیلی‌گری و مد پرستی و برهنگی و بی‌بند و باری نمودند. و اینک وظیفه ماست که در تداوم این فرهنگ و انتقال آن به نسل‌های آینده بکوشیم و جوانان را از عمق تحولی که به برکت انقلاب اسلامی رخ داده، آگاه سازیم و از بازگشت فرهنگ جاهلی و نفوذ آن جلوگیری کنیم.

بی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، کتاب اول، بخش اول، ص ۱۴۵.
۲. همان، بخش دوم، ص ۷۸.
۳. همان، ج ۱۱، ترجمه فارسی، ص ۸.
۴. سوره نحل، آیات ۵۸ و ۵۹.
۵. سوره تکویر، آیات ۸ و ۹.
۶. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۸۵.
۷. نظام حقوقی زن در اسلام، ص ۱۹.
۸. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۰۰.

